

مباحثی در زمینه مناسبات ظالمانه اقتصاد

جهانی

استقراض از منابع خارجی: **مقدمه:**

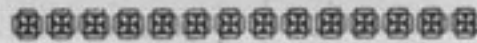
گسترش روابط اقتصادی بین کشورهای مختلف جهان واقعی است که روز بروز ابعاد وسیعتری پیدا می‌کند. بهر میزان که به گذشته برمیگردیم، می‌بینیم که روابط متقابل اقتصادی بین دو واحد اجتماعی انسانی دارای ابعاد کمتری بوده است و اساساً واحدهای اجتماعی انسان از خود کفایتی نسبی برخوردار بوده‌اند و پس افزایش جمعیت و بالا رفتن سطح رفاه اجتماعی و گسترش و تعمیق اصل تقسیم کار، منجر به افزایش حجم ارتباطات متقابل گردیده است. همچنان که یک انسان به تشنه‌ای قادر به رفع نیازهای همه جانبه خود نیست و به خدمات و کالاهای تولید شده از سوی دیگران نیازمند است، جوامع بشری نیز در مقیاس وسیعتری به خدمات و کالاهای تولید شده توسط یکدیگر نیازمندند. این نیاز دلیل وجودی اصل معاوضه و مبادله و تجارت و بازرگانی در جوامع بشری است و پول بعنوان ابزار معاوضه و تجارت، بر اساس همین اصل بوجود آمده است که در هر عصری و هر مکانی شکل و ترکیب خاصی داشته است هر چند پول امروزه نه تنها بصورت ابزار تبادل بلکه بعنوان عاملی در جهت رشد و توسعه اقتصادی نیز عمل می‌نماید.

گفتیم که تقسیم کار منجر به گسترش روابط متقابل اقتصادی بین افراد و جوامع گردیده است که باید بر اساس مناسبات عادلانه شکل گرفته باشد. اصل تقسیم کار امروزه در غالب کشورها بعنوان یک واحد تولید کننده خدمات و کالا تجلی پیدا کرده است یعنی کشورهای مختلف جهان در عرصه اقتصاد جهانی دارای نقشهای متفاوتی هستند و تقسیم کار جهانی، باعث گسترش روابط اقتصادی فزاینده بین هر یک از واحدهای سیاسی جهانی گردیده است. بعضی از کشورها که عموماً به جهان

در طرف دیگر: فقرا و مظلومان و چپاول شده‌ها بوجود آمده‌اند. از دست اول به کشورهای «شمال» و از دست دوم به کشورهای «جنوب» تعبیر میشود و عبارت «شمال و جنوب» در واقع عبارت «ثروتمند و فقیر» است و طرحها و برنامه‌هایی که بعنوان مذاکرات شمال و جنوب و همزیستی شمال و جنوب و سایر عبارات فریبنده طرح می‌گردد، چیزی نیست جز رابطه بین گرگ و میش، رابطه بین غنی و فقیر، رابطه بین ظالم و مظلوم و بالاخره بیانیگر جلوه‌ای است که یک طرف آن موجودی است قدر مغرور و خودخواه و طرف دیگر آن موجودی است ضعیف، توسری خور و امیدوار به کرامت و بزرگواری طرف مقابل یعنی موجود قلدر!

هر چند بنا نیست خواننده عزیز به بحث نظریه‌ها و تئوریهای خلق کننده این بحث کشیده شود، لکن ضرورت دارد به این نکته اشاره شود که: اساس و بنیاد این وضع وحشتناک نظام اقتصادی و سیاسی حاکم و اساس و بنیاد تقسیم کار ظالمانه جهان بر تئوری «برتری نسی» قرار دارد که از حدود دو قرن پیش از سوی سران منکشف لیبرالیسم و آزادی اقتصادی یعنی آدام اسمیت و ریکاردو تبیین گردید. این تئوری اقتصاد جهانی را در تب سوزنده، و رو به ازدیاد فاصله فقر و غنی و در مسیر منافع کشورهای پیشرفته صنعتی و بر علیه کشورهای فقیر قرار داده است. تئوری برتری نسی اساس تقسیم کار ظالمانه و درآمد ناعادلانه کشورهای جهان را پی ریزی نموده است. این تئوری در جستجوی تضمین بقای روند تأمین نیازهای جهان صنعتی از منابع و ثروتهای جهان سوم و نیز غارت آنان بوده است، اصولاً روابط اقتصادی بین کشورهای جهان را رشته تخصصی اقتصاد بین الملل مطالعه می‌نماید که مباحثی چون تجارت کالا و خدمات، تجارت تکنولوژی، سرمایه گذاری خارجی، کمکهای مالی، استقراض، مهاجرت نیروی انسانی و سرمایه و سایر مباحث

محمدرضا حافظ نیا



سوم موصوف اند، مواد خام کشاورزی و صنعتی همچون نفت، آهن، مس، قهوه، نارنگل و غیره تولید میکنند و بعضی از کشورهای جهان که عموماً به کشورهای پیشرفته صنعتی موصوف اند، تولیدات صنعتی و محصولات کشاورزی و خدمات فنی و تکنولوژیکی و علمی را تولید می‌نمایند.

امروزه بهر کشور در جهان، بصورت یک واحد که دارای نقشهای اقتصادی ویژه میباشد، نگاه میشود و هر یک بخشی از تولیدات مورد نیاز دیگران را بعهده دارد. مناسبات تقسیم کار جهانی متأسفانه اساس و بنیاد عادلانه‌ای ندارد و بلکه باید گفت مناسبات تقسیم کار جهانی، ظالمانه است. در نظام تقسیم کار جهانی، تولید مواد اولیه، با ارزش ناچیزی که نظام اقتصادی جهان برای آن تعیین میکند، به کشورهای فقیر و جهان سوم در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و خاورمیانه واگذار شده است و تولید کالاهای صنعتی و خدمات فنی و تکنولوژیکی با ارزش بالا، به کشورهای پیشرفته و صنعتی اروپایی، آمریکای شمالی، سوسیالیستی و ژاپن تعلق گرفته است. تفاوت فزاینده ارزش تولیدات دو دسته کشورهای پادشده منجر به افزایش فاصله توان اقتصادی و عبارتی فاصله فقر و غنی در جهان گردیده است بطوریکه دو جهان فقیر و غنی خلق شده است و این فاصله که سیری فزاینده دارد، منجر به شکل گیری روابط اقتصادی و سیاسی ظالمانه در جهان شده که در یک طرف: ثروتمندان قدرتمندان، مستمگران و چپاولگران قرار گرفته‌اند و

را دربر میگیرد.

در این بحث سعی میشود به ترتیب مباحثی چون استقرار، عملکرد شرکتهای چند ملیتی و یا فراملیتی، سرمایه گذاری و کمکهای خارجی، تجارت تکنولوژی و سازمانهای اقتصادی بین المللی بیان گردیده تا خوانندگان عزیز بتوانند از وضعیت نظام ظالمانه اقتصادی حاکم بر جهان که از آثار منفی خود اقتصاد ملی کشور ما را با اشکال مختلف متأثر می نماید تصویری ولو مفدماتی پیدا کنند.

۱- استقرار از منابع خارجی:

دولتها برای اداره امور کشور و ایجاد روند رشد اقتصادی مداوم نیاز به منابع مالی و بودجه دارند دولتها باید روند رشد اقتصادی خود را حداقل با روند رشد جمعیت و افزایش سطح رفاه هماهنگ نمایند و لذا نیاز آنها به سرمایه و پول برای این امر مهم اجتناب ناپذیر میباشد. این نیاز اگر از طریق منابع درآمدی دولت تأمین گردد، مشکل حل است و اگر چنین نشود و خرج دولت بیش از دخل آن باشد، مجبور میشود به استقرار متوسل گردد تا با استقرار، کسر بودجه خود را جبران نماید. توجیه کشورها معمولاً برای اخذ وام این است که بدین وسیله قادرند به جریان تولید و رشد اقتصادی از طریق سرمایه گذاری کمک کرده و هم بدهی و قرض خود را بدهند و هم اینکه روند رشد را مستمر نگه دارند. دولت برای برخورد با کسری بودجه از منابع مالی داخلی و خارجی استفاده می نماید. استقرار از منابع داخلی با مجوز مجلس و یا مرجع قانونگذاری کشور در قالب بودجه سالیانه تصویبی، معمولاً از طریق بانک مرکزی انجام می پذیرد. استفاده از منابع مالی داخلی هر چند مشکلاتی را برای دولت بوجود میآورد اما مسائل آن با منابع مالی خارجی تفاوت می نماید بطور مشخص اگر چه معمولاً دولتهای جهان سؤم کمتر توانسته اند کسر بودجه خود را جبران نمایند ولی استقلال سیاسی آنها از سوی منابع داخلی تهدید نمی شود.

آنچه که موضوع بحث ما قرار دارد، مسئله استقرار دولتها از منابع خارجی است و همانطور که قبلاً گفته شد: کشورها بر اساس تقسیم کار جهانی ناچار از ایجاد روابط اقتصادی با یکدیگر میباشند. روابط اقتصادی کشورها در شکل کلی صادرات و واردات تجلی پیدا میکند و اگر کشوری ارزش صادرات آن

بیشتر از واردات آن باشد، میگویند دچار موازنه مثبت است ولی اگر ارزش صادرات کمتر از واردات باشد کشور دچار موازنه منفی خواهد بود و اگر ارزش صادرات و واردات با همدیگر برابر باشد، کشور در حالت تعادل موازنه قرار خواهد داشت و اگر حالتهای تعادل موازنه و یا موازنه مثبت کشوری برای چند سال تداوم داشته باشد آن کشور بسوی افزایش قدرت اقتصادی حرکت کرده و قدرت اقتصادی بنویه خود قدرت سیاسی را در سطح جهانی به همراه خواهد داشت و کشوری که دارای قدرت سیاسی بیشتری باشد در صحنه مناسبات جهانی بهتر خواهد توانست اراده سیاسی خود را اعمال نماید. اگر کشوری برای چند سال در حالت موازنه منفی قرار داشته باشد سرنوشت خطرناکی پیدا خواهد کرد. سرنوشتی که امروزه دامنگیر اکثر کشورهای فقیر و جهان سوم میباشند. وجود مستمر حالت موازنه منفی در تجارت بین المللی یک کشور باعث کاهش ارزش پول، نیاز آن به وام و استقرار، کاهش قدرت اقتصادی، کاهش قدرت سیاسی در سطح مناسبات بین المللی میگردد و علاوه بر آن، نخبههای اجتماعی و سیاسی اقتصادی سوش نیز در داخل کشور از خود بجا میگذارد کسری موازنه بازرگانی یک کشور که در واقع میتوان از آن به کسر بودجه ارزی کشور تعبیر نمود منتهی نیاز به استقرار را مطرح می نماید و آنها استقرار از منابع خارجی. اقتصاد داخلی کشورهای جهان سؤم بدلیل افزایش مستمر فاصله بین صادرات و واردات و طبعاً افزایش کسری بودجه ارزی، از نظام اقتصاد بین الملل ضربهات سنگینی متحمل میگردد. چون وابستگی اقتصاد اینگونه کشورها هم در بخش صادرات و هم در بخش واردات به اقتصاد جهانی زیناد بوده و نوسانات عوامل اقتصادی و سیاسی در سطح بین المللی شدت اقتصاد نحیف و شکننده آنها را متأثر می نماید.

در مورد کشورهای جهان سؤم برای مقابله با کسری بودجه ارزی و تحصیل موازنه بازرگانی مثبت، راههای مختلفی از سوی نظریه پردازان اقتصادی پیشنهاد میگردد که نتایج بکارگیری آنها غالباً نتیجه مثبت به همراه نداشته است و حتی شرایط را بدتر کرده است. نظریاتی از قبیل کاهش ارزش پول داخلی - افزایش صادرات که معنی دیگر آن سرازیر کردن منابع و معادن و سرمایه های ملی این کشور به حلقوم چپاولگران جهانی میباشد.

سرمایه گذاری خارجی و از همه مهمتر استقرار از منابع خارجی.

توجه ارائه شده برای استقرار از منابع خارجی این است که کشورهای جهان سؤم در مسیر تحول و رشد اقتصادی گام برمیدارند و لذا برای تحصیل رشد نیاز به منابع مالی برای سرمایه گذاری دارند. سرمایه گذاریهای تولیدی در اینگونه کشورها به ارز جهت خرید ماشین آلات و تأسیسات و زیر بناهای مورد نیاز آنها احتیاج دارد و وام و استقرار میتواند سرمایه مورد نیاز کشورهای جهان سؤم را جهت برداشتن گامهای بلند توسعه و رشد اقتصادی تأمین نماید. این استدلال، ظاهری مطلوب ولی فریبنده دارد و تجربه جهانی در زمینه اجرای این نظریه حاکی از این است که نه تنها کشورهای جهان سؤم نتوانسته اند به رشد و توسعه اقتصادی نائل آیند بلکه در دام وامهای فزاینده مؤسسات مالی بین المللی و خصوصاً گرفتار آمده و هر روز گمراشته آنها در زیر بار سنگین قروض خارجی خم شده است و این جریان بجائی رسیده است که استقرار جدید بوسیله کشورهای جهان سؤم نه بخاطر رشد اقتصادی و سرمایه گذاری، بلکه بخاطر باز پرداخت بهره وامهای دریافتی از سنوات قبل، اختصاص می یابد و حتی گاهی این استقرار پاسخگوی بهره وامهای گذشته نیست و جهان سؤم و اقتصاد بین الملل در مقابل حجم وسیع بدهکاریهایی که از آن به «افجار بدهی» تعبیر میشود قرار گرفته است و امروزه موضوع کفترانسهایی که در گذشته به توجیه تأثیر وامهای خارجی در رشد اقتصادی کشورهای جهان سؤم اختصاص یافته بود، تغییر جهت داده و از این موضوع غفلت نموده و در خصوص چگونگی باز پرداخت وامها و از همه بدتر بهره وامها مذاکره می نمایند.

روند فزاینده بدهیهای جهان سؤم

میزان بدهیها روند فزاینده ای دارد از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۲ در طی چهار سال بدهی کشورهای جهان سؤم غیر صادر کننده نفت تقریباً دو برابر شد و ۶/۲ میلیارد دلار افزایش یافت و میزان بدهی کل جهان سؤم در پایان سال ۱۹۸۶ از مرز یک تریلیارد گذشته و به ۱۰۲۵ میلیارد دلار رسید و برزیل بعنوان یکی از بزرگترین کشورهای مقروض دنیا در سال



ضد انقلاب

- مدیر عامل و دو تن از مسئولین اسبق شرکت صنایع اراک به جرم ۱۲ میلیون تومان اختلاس دستگیر شدند. ۶۸/۶/۲۵
- یک نماینده برجسته کنگره آمریکا از حزب دموکرات اعتراف کرد که گروهک منافقین برای آمریکا جاسوسی می کنند. ۶۸/۷/۱
- مدیر عامل بانک صادرات به اتهام مشارکت در سوء استفاده کلان مالی در شرکت بین المللی بازرگانی لادیس دستگیر و روانه زندان شد.
- سید علی موسوی (قمی) سرپرست بنیاد نبوت در دادگاه شعبه ۱۴۶ کیفری یک تهران برای بار دوم به اعدام محکوم شد. ۶۸/۷/۱۳
- ۸ تن از کارمندان کاشمر و بردسکن بجرم دهها میلیون ریال اختلاس به حبس و شلاق محکوم شدند. ۶۸/۷/۱۶
- با هوشیاری پاسداران کمیته انقلاب اسلامی قانبات ۴۰۰ کیلوگرم تریاک از محموله روغن نباتی یک دستگاه تریلر کشف شد. ۶۸/۸/۹
- مسئول و ۴ کارمند بنیاد مهاجرین جنگ تحمیلی بروجرد به اتهام سوء استفاده و اختلاس بیست الیستال دستگیر شدند. ۶۸/۸/۱۳

- شرکت اسلحه سازی «بولورین» سوئد متهم کرد. ۶۸/۸/۱۰
- «تورگوت اوزال» رئیس جمهور جدید ترکیه در نماز جمعه آنکارا شرکت کرد.
- مشعل عون پارلمان لبنان را منحل اعلام کرد.
- رهبران فلسطینی پس از ۱۲ سال در قاهره تشکیل جلسه دادند تا طرح اصلاح شده «جیمزیکر» وزیر امور خارجه آمریکا را مورد بحث قرار دهند. ۶۸/۸/۱۳
- واشنگتن پست: تسخیر سفارت آمریکا در تهران، سرافکنندگی ملی برای ایالات متحده بود. ۶۸/۸/۱۴

اختراع و اکتشاف

- بزرگترین مینول حرارتی ساخت ایران با ظرفیت حرارتی ۶ میلیون کیلوواتی در اصفهان طراحی و ساخته شد. ۶۸/۶/۲۱
- سیستم «رادیورانه» ۲۳ کاناله، برای اولین بار توسط سازمان صنایع دفاع ساخته شد. ۶۸/۷/۹
- ذخیره قطبسی از گاز طبیعی در لاهورد فارس کشف شد که تا دو بیست سال قدرت گازدهی دارد. ۶۸/۷/۱۳

- یک دادگاه ویژه در افغانستان روز گذشته یک تبعه افغانستان را به جرم جاسوسی دستگیر و به زندان محکوم کرد.
- انفجار سه بمب پایگاه نیروی هوایی آمریکا را در یونان به لرزه درآورد. ۶۸/۸/۱
- مجارستان رسماً به چهل سال حکومت کمونیست در بوداپست خاتمه داد.
- شوارز نازده لشکرکشی شوروی به افغانستان را در سال ۱۹۷۹ ناقص قوانین شوروی دانست. ۶۸/۸/۲
- یک انفجار قوی مجتمع شیمیایی عظیم شرکت نفت فلپین در آمریکا را نگران داد و منطقه را در دودی سیاه فرو برد. ۶۸/۸/۳
- ستای آمریکا مجازات مرگ را برای عوامل قتل اتباع آمریکا تصویب کرد.
- آمریکا پیشنهاد «گورباچف» را در مورد ایجاد منطقه عاری از سلاحهای هسته ای رد کرد. ۶۸/۸/۶
- جورج بوش: ایران برای امنیت ملی آمریکا خطر محسوب می شود.
- بوش بر ادامه توقیف دارائی های ایران در آمریکا تاکید کرد. ۶۸/۸/۹
- پنج عضو دائمی شورای امنیت از توافق طائف حمایت کردند.
- یک روزنامه هندی، راجیوگانندی را به دریافت رشوه

زمینه بیان میکنیم. او در کتابش بنام «توسعه اقتصادی» که ترجمه شده است و در پایان بخش وام از خارج، چنین میگوید:

«انحصال وام از خارج برای آنکه بر مجموع منابع تخصیص یافته به توسعه اقتصادی بیفزاید، لازم است، ولی متکی ساختن توسعه اقتصادی کشور به وامهای خارجی، یعنی منابعی که در اختیار و تسلط کشور در حال توسعه (جهان سوم) نیست امر موجهی نمی تواند تلقی شود. اگر کشوری توانایی آنرا داشته باشد که اقتصاد خود را دگرگون سازد، بدون دریافت وام هم میتواند به راه توسعه اقتصادی قدم نهاد، گویانکه سرعت رشد آن، به لحاظ فقر منابع، چندان زیاد نخواهد بود. ولی اگر کشوری توانایی آنرا نداشته باشد که اقتصاد خود را دگرگون سازد، حتی با دریافت وام نامحدود هم به توسعه اقتصادی نائل نخواهد شد. وام خارجی ممکن است در افزودن بر میزان مصرف بکار برده شود و یا ممکن است در افزایش قدرت تولید واحدهای تولیدی کشور به کار برده شود، ولی هیچکدام از اینها موجب جریان توسعه اقتصادی نخواهد بود.»

ادامه دارد

اراده ای ندارد و سیاستهای داخلی اش عرصه تصمیم گیری مؤسسات مالی بین المللی و خصوصی و شرکتهای چند ملیتی و از قلمرو مہمتر سران استیکار غرب میگردد و بالاخره همانطور که آزادی و استقلال یک انسان معنادار از او سلب میشود، آزادی و استقلال یک کشور جهان سوم نیز از او سلب میگردد. دام استقراض خارجی، دام خطرناکی است که نظریه پردازان اقتصاد غرب در لوای یک نظریه علمی برای فقرای جهان و جهان زیر سلطه عرضه کرده اند و سیاستگذاران و سران کشورهای جهان سوم نیز فریب ظاهر آراسته نظریه مزبور را خورده اند و مردم این کشورها نیز از کم و کیف مسئله بی خبرند. استقراض از خارج تاکنون برای هیچیک از کشورهای جهان سوم منافع واقعی بهمراه نداشته است.

در خاتمه این قسمت اظهار نظر یکی از اقتصاددانانی که در دامن اقتصاد غرب پرورش یافته و بعضی از دیدگاههایش نیز اشکال دارد را در این

بقیه از مباحثی در زمینه ...

۱۹۸۷ پرداخت بهره قروض ۱۰۸ میلیارد دلاری خود را به حالت تعلیق درآورد. (کتاب مشکلات اقتصادی جهان سوم). رابطه بین کشور وام گیرنده و استقراض از منابع خارجی، به رابطه بین انسان معنادار و اعتبار می ماند. زیرا همانطور که یک فرد سالم با توجیحات فریبنده به کشیدن مواد مخدر رغبت پیدا می نماید یک کشور جهان سوم هم با توجیه فریبنده اقتصادی که قبلاً ذکر گردید به سمت استقراض از منابع خارجی کشیده میشود و همانطور که فرو افتاده در دامن اعتبار، بیش از پیش در این ورطه هلاکت غرق میشود کشور جهان سومی افتاده در دامن استقراض خارجی نیز بیش از پیش در این ورطه فرو میرود. و همانطور که یک انسان معنادار از خود اراده ای ندارد و افسارش در اختیار خودش نیست و برای کسب درآمد همه چیز خود را در اختیار قرار میدهد یک کشور معنادار به استقراض نیز از خود